

نامردی و ناخدایی

تفهیم عام

امیرفیض-حقوقدان

کشتار بیش از ۷۰۰ تن در مراسم حج امسال و همچنین تکرارچنین فاجعه ای در سالهای قبل که آمار کشته شدگان نقل جرائد شده است، یک تفهیم عمومی برای مسلمانان و معتقدین به حج است.

مسلمانان معتقدند که انجام مراسم حج، حکم خدا و تکلیف اسلامی است اگر این قول صحیح باشد، لازمه آن:

این است که ابعاد و متعلقات و توابع اجرای مراسم حج هم از قبیل امکانات مالی تامین سلامتی

وامثال آنها در تصرف و اراده و خواست خدا باشد. در اینصورت چگونه میتوان قبول کرد خداوند که

مسلمانان او را قادر متعال و متصرف بر جمیع اموال و حقوق و جانها و رویدادها میدانند کسانی را که همان خدا برای حج و ادای فریضه ای که خدا مقرر کرده دعوت کرده به فجیع ترین وضعی دسته جمعی قتل عام کند؟

این یک تضاد است که ریشه آن به حقیقتی میرسد که مردم مسلمان به هیچوجه حاضر به قبول آن نیستند.

اگر عظمت عالم بعنوان قدرتی بنام «الله و یا خدا» شناخته شود از این عمل که خدانشناسان به دور سنگ سیاهی که بوسیله گروهی مسلمان شکسته شده و اکنون سیم پیچی گردیده بگردند و آنرا نمونه خدا در روی زمین بشناسند، خود خدا ناراحت و خشمناک است و اگر برایش مقدور نیست که قرآن دیگری بفرستد و حج و مراسم آنرا شرک اعلام کند بطریقی که می بینیم حاجیان و مستقبلین از حج را تنبیه و از اینکه آنان به این بی عقلی همگان دست میزنند قتل عامشان میکند.

اگران گروه عظیم برای یک عمل غیر اسلامی گرد آمده بودند، ممکن است گفته شود که باتنبیه خداوند مواجه شده اند ولی در حالیکه خدا در کتابش انفاق کنندگان را میستاید و وعده یآوری به آنها داده، این چه جور یآوری است که یک روزه هزاران تن از همان کسانی را که وعده یآوری داده قلع و قمع میکند؟

این نهایت پستی و رذالت است که انسان گروهی را به منزلش دعوت کند و وسائل حرکت و امکانات را برایشان فراهم نماید و بعد نه تنها درختانه اش را باز نکند بلکه به نوکرانش و سگهایش دستور دهد که آنها را تکه، تکه هم بکنند. این درست کاری است که خدا در مکه با حجاج کرده است.

میگویند حجر الاسود آیت و علامت و نشانه خداست. استاد سنگلجی در این مورد گفته است: > همه چیز علامت و نشانه خداست حتی الاغ < پس چرا الاغ را طواف نمیکنند که سنگ را؟

شیعیان که ایرانیان عقل زده اند معتقدند هنگامیکه حجرالاسود بوسیله حجاج بن یوسف شکسته شد هر زمان که خواستند آنرا مرمت کنند آنقدرمکه لرزید که مرمت ممکن نشد تا امام سجاد وارد مسجد شد و دست به تعمیر حجرالاسود زد و مکه آرام گرفت.

همان شیعیان ادعای جدی دارند که مادر علی بهنگام وضع حمل خودرا به مکه رساند و دیوارخانه خدا از عقب شکاف برداشت و فاطمه داخل و دیوار بسته شد و ۴ روز بعد فاطمه درحالی که علی در بغلش بود از دیوار بیرون آمد. همان شیعیان مدعی اند که از آن زمان هر سال که خواسته اند ترک این دیوار را بگیرند نتوانسته اند.

این دو باور شیعیان دلیلی است که خداوند همانطور که مکه را میلرزاند تا تعمیر سنگ سیاه ممکن نشود و همانطور که دیوار مکه را شکافت که فاطمه دختر اسد برود و وضع حمل کند و تا امروز هم نگذاشته ترک دیوار جمع شود پس همان خدا هم این گله حیوانات انسان نما را به درک واصل کرده است و این اگر نامردی و ناخدایی نیست پس چیست؟